

**Predigt zum 10. Sonntag nach Trinitatis („Israelsonntag“), 4.8.2024,  
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),  
Pfr. Gerhard Triebe**

Römer 9,1-5; 10,1-4:

ای برادران یهودی من! ای قوم من اسرائیل! چقدر مشتاقم که به عیسی مسیح ایمان آورید. من به 3-1 خاطر شما به شدت اندوهگینم و دائماً دردی جانکاه در وجود خود احساس میکنم، حتی حاضرم خودم از نجات محروم شوم تا شما نجات یابید. عیسی مسیح شاهد است و روحالقدس میدانند که این را راست میگویم.

خدا شما را مورد لطف خاص خود قرار داده است، اما شما هنوز هم مایل نیستید به او گوش دهید. او 4 شما را به عنوان قوم مخصوص و برگزیده خود تعیین کرد؛ با ابر درخشنده جلال خود، شما را در بیابان هدایت نمود؛ و برکات خود را به شما وعده فرمود. او شریعت و احکام خود را به شما بخشید تا اراده او را برای زندگی خود بدانید؛ مراسم عبادت را نیز به شما آموخت تا او را پرستش کنید و وعدههای عالی به شما عطا فرمود.

مردان بزرگ خدا، اجداد شما بودند. مسیح نیز که اکنون بر همه چیز حاکم است، از لحاظ طبیعت بشری 5! خود، مانند شما یهودی بود. خدا را تا ابد سپاس باد

برادران عزیز، آرزوی قلبی و دعای من برای یهودیان اینست که ایشان نجات یابند 1

من میدانم که آنان در دل خود چه غیرت و احترامی برای خدا دارند، اما این غیرت و احترام از روی 2 درک و شناخت صحیح نیست

ایشان درک نمیکنند که مسیح جانش را فدا کرده تا آنان را در حضور خدا بیگناه سازد. در عوض 3 میکوشند تا با رعایت احکام و رسوم شریعت، به آن درجه از پاکی برسند که در نظر خدا بیگناه جلوه کنند. اما این آن راهی نیست که خدا برای نجات انسانها در نظر گرفته است

ایشان متوجه نیستند که عیسی مسیح همه کسانی را که به او ایمان آورند، در نظر خدا پاک و بیگناه 4 میسازد، یعنی همان چیزی که ایشان سعی میکنند با رعایت شریعت و احکام به دست آورند. عیسی مسیح به همه این راهها پایان بخشیده است

جامعه عزیز، روز پنجشنبه کاریکاتوری تحت عنوان "گفتگوی خاورمیانه" در راینیشه پست منتشر شد. این نشان می دهد که دو جنگجوی مسلح روبروی یکدیگر هستند و بر سر یکدیگر فریاد می زنند. تمام قسمت "Retaliation!" و "Rache!" های باقی مانده از تصویر پر شده است از نسخه های زیادی از دو کلمه چگونه قرار است با یکدیگر آرامش پیدا کنیم؟

پولس رسول همچنین دلیل کافی برای انتقام گرفتن از یهودیان خود داشت. آنها تقریباً پنج بار او را تا حد مرگ کتک زده بودند، همه به این دلیل که او می خواست مژده عشق بی قید و شرط خدا را با آنها در میان بگذارد. اما او به دنبال انتقام و تلافی نیست، بلکه به دنبال نجات است. او آرزوی این را دارد و با تمام وجود برای آن تلاش می کند. اگر می توانست حتی جای خودش را در بهشت فدای آن می کرد. زیرا می داند: انتقام و قصاص نمی تواند به صلح و آشتی منجر شود. آنها همچنین به عدالتی که خدا می خواهد نمی رسند.

از آنجا که عدالت خدا - پولس این را در یک فرآیند دردناک تشخیص داد - عدالت خدا بر اساس اصل بازپرداخت مانند در برابر مشابه نیست. عدالتی که نزد خدا جاری است از آن اوست - و آن عدل دادن است. خداوند نمی خواهد کسانی که از او روی گردان شده اند و بر خلاف میل او رفته اند و بر او قیام کرده اند کشته شوند، بلکه می خواهد که توبه کنند و زندگی کنند. چگونه می‌خواهیم آسیبی را که در رابطه با دیگران، به خلقی که از طرف خدا به ما سپرده شده و در نتیجه در رابطه با او ایجاد کرده‌ایم، جبران کنیم؟ هر جا که بخواهیم زندگی را برای خود بیافرینیم یا تضمین کنیم، فقط ویرانگر زندگی می‌شویم - در خودمان، در خلقت خدا و حتی در پسرش. پولس این را زمانی تجربه کرد که در ابتدا مسیحیان را با غیرت کور آزار و اذیت کرد - با این باور اشتباه که او لطف خاصی به خدا می‌کند. او هرگز نمی‌توانست آن را جبران کند - بیش از ما. به همین دلیل است که اگر فقط به عیسی مسیح کاملاً تکیه کنیم، خدا به او و ما زندگی می‌دهد، کسی که تمام کارهای نادرست ما را با جان خود پرداخت. با این فداکاری نهایی او می‌خواهد ما را به عشق خود متقاعد کند. پل تحت تأثیر این چشم انداز نجات و عشق پروردگارش است. این او را به نماز و سپس به عمل سوق می‌دهد

، رابطه ما با اسرائیل نیز به همین چشم انداز نجات و عشق است. یهودیان قوم برگزیده خدا هستند و می‌مانند. نیش چشم او» زیرا «هدایا و دعوت خدا نمی‌تواند او را تغییر دهد»، همانطور که پولس بعداً می‌نویسد» این به معنای چشم پوشی از هر کاری که یک دولت یا شهرک نشینان اسرائیلی انجام می‌دهند نیست. اگر مثلاً ارزش‌های بنیادی جامعه بشری نقض شود، می‌توان و قطعاً باید انتقاد کرد. اما یک نفرت و خصومت آشکار علیه یهودیان و هر چیزی که یهودی است نه با یک دولت دموکراتیک قانون اساسی سازگار است و نه با ایمان مسیحی ما. تحت هیچ شرایطی انکار یک دولت یا گروهی از مردم حق وجود ندارد. ما به عنوان مسیحی نیز خود را از ریشه‌های خود جدا می‌کنیم

بنابراین، به ویژه در دود این دوران، لازم است که ما از نو بدانیم که ما مسیحیان چه چیزی را به اولین قوم منتخب خدا یعنی اسرائیل مدیونیم، آنچه را که خدا ما را به آنها متصل می‌کند. آنچه مهم است این است که ما دیدگاه رسول را در مورد نجات و عشق به ویژه در مورد اسرائیل دریافت کنیم. آرزوی قلبی او این است که اسرائیل محبت خدا را در عیسی مسیح بشناسد، او را به عنوان مسیح خود بشناسد و از طریق ایمان به او نجات یابد. این نیز باید خواسته قلب ما باشد، دعای پرشور همه مسیحیان. زیرا خدا از قوم عهد خود دست برنداشته است

1.

اولین چیزی که برای ما دنبال می‌شود عزاداری برای اسرائیل است

این مردم در تاریخ بشریت چه چیزی را تحمل کرده‌اند؟ جنایت علیه بشریت هولوکاست، شوا، بی نظیر است. اما از زمان فرعون آغاز شد و متأسفانه با کشتار وحشتناک حماس در 7 اکتبر سال گذشته پایان نخواهد یافت. اما اندوه بزرگی که قلب رسول را پر می‌کند دلیل دیگری دارد. او وقتی به اسرائیل فکر می‌کند «دردی بی وقفه» احساس می‌کند، زیرا آنها عیسی ناصری را به عنوان مسیح، مسیح، نجات دهنده سلطنتی که انبیا اعلام کرده و وعده داده بودند، نمی‌شناسند. این همان دردی است که پروردگارش هنگام گریستن بر اورشلیم احساس کرد: "کاش شما نیز در این روز می‌دانستید که برای صلح چیست!" مسیح آمده است. اما در مجموع، او هیچ اعتقادی به این پیام پیدا نکرد. مسلماً یک جامعه یهودی-مسیحی در اورشلیم وجود داشت، و در طول تاریخ پر حادثه خود، مسیحیت بارها و بارها این شادی را تجربه کرده است که مردان و زنان یهودی نیز عیسی را به عنوان نجات دهنده و خداوند خود می‌شناسند و آرزو می‌کنند که به نام او تعمیم بگیرند. اما در مجموع، اعضای اولین قوم عهد منتخب به این امر پایبند هستند: آمدن مسیح هنوز در انتظار است. عیسی ناصری در بهترین حالت یک پیامبر بزرگ مردم ما بود که به ناحق اعدام شد، اما مسیح - نه، او چنین نبود

آیا وقتی می بینید که مردم به خاطر خدا اینگونه شکست می خورند آرام بمانید؟ پل می گوید: «من نمی توانم این کار را انجام دهم. "من در مسیح راست می گویم و دروغ نمی گویم، همانطور که وجدانم در روح القدس بر من شهادت می دهد که غم و اندوه و درد شدید در قلبم بی وقفه است." که او این کار را برای آنها انجام می دهد، خود را به خود می گیرد، از مسیح جدا می شود، و این به معنای محکوم شدن خود است مانند موسی، او در شکاف قوم خود ایستاده است، بله، مانند خود عیسی، او ورطه بین خدا و دنیای خود را برای یهودیان و غیریهودیان پل زد. او خیلی نگران است که مردم را گم کند. این دقیقاً همان چیزی است که قدرت میسیونری یک کلیسا را مشخص می کند - نه آنقدر ویژگی های آن در زمینه های روابط عمومی - خدمات مذهبی و ارائه های اجتماعی، بلکه نگرانی در مورد اینکه آیا مردم نجات می یابند یا خیر

## II.

خداوند از قوم خود دست برداشته است. به همین دلیل است که ما باید غم و اندوه رسول را درک می کردیم، زیرا پولس به نوبه خود به خاطر خدا به اسرائیل می چسبد. کلیسا - که پولس برای آن صحبت می کند - به دلیل دیگری از اسرائیل حمایت می کند. او از اسرائیل بیرون آمد. عهد عتیق برای ما نیز کتاب مقدس است. ابراهیم، اسحاق و یعقوب نیز اجداد ما در ایمان هستند. بدون شک ما یک منشاء مشترک داریم با این حال، ما همه چیزهایی را که در عهد عتیق، عهد اول نوشته شده است، به این معنا می فهمیم که به مسیح نزدیک می شود و تحقق خود را در او می یابد. اما موضوع دقیقاً همین است

بنابراین پولس به دور از آزار و اذیت یهودیان است. بلکه منظورش این است: اگر واقعا بودند! نه: از انتخاب خود دست بکشید. بلکه: آنها را جدی بگیرید و به آنها بچسبید! مبادا: سرانجام از ایمان اسرائیل جدا شو و نزد مسیح برو. اما: با آمدن به مسیح همانی شوید که هستید. نباید چیزی از اسرائیل گرفت. در عوض، به همراه کسانی که از زمان مسیح در انتخاب اسرائیل سهیم بوده اند، خواسته شده است که میراث خود را به طور واقعی بپذیرد. ما مسیحیان اگر ودیعه ایمان اسرائیل را به عنوان متعلق به خود نپذیریم، به طور کامل درک نمی کنیم که چه هستیم و چه داریم. و اسرائیل دعوت خود را هدر خواهد داد اگر نبیند که داستان ایمان خود در عیسی مسیح ادامه یافته و تکمیل شده است. زیرا هیچ نجاتی برای یهودیان به جز عیسی مسیح وجود ندارد - حتی اگر این چیزی باشد که در دو کلیسای اصلی ما امروز نشان داده شده است. همانطور که پولس می گوید عیسی مسیح «پایان شریعت» است. بنابراین ما با انجام تمام دستورات تا حد امکان با خدا کنار نمی آییم. ما تنها زمانی می توانیم با خدا در صلح باشیم که کاملاً به عیسی مسیح و آنچه که او برای ما انجام داده است تکیه کنیم. این جامعه ما با اسرائیل است - جامعه ای که هنوز باید تحقق یابد و از آن بهره برداری شود

خداوند به این قوم چیزهای بزرگی عطا کرده و به امانت گذاشته است. پولس فهرست بلندبالایی از امتیازات را فهرست می کند که با زنجیر طلایی که یک مقام بلندپایه دولت یا کلیسا بر گردن می بندد، قابل مقایسه است: «به یهودیان «فرزندخواندگی و جلال و عهدها و شریعت و عبادت و وعده ها و وعده ها تعلق دارد این به اجداد ابراهیم، اسحاق و یعقوب اشاره دارد. در بحبوحه تاریخی که این جهان از خالق خود چشم پوشی کرده بود و بارها بلای خود را به بار آورده بود، در میانه این جهان، خداوند با آنها تاریخ نجات و برکت را آغاز کرده بود، تاریخی که مبتنی بر فرمان و وعده است. بر ایمان و اطاعت استوار است. این کافی نیست: عیسی مسیح نیز «بر حسب جسم» می آید، یعنی بر اساس طبیعت زمینی-انسانی خود از قوم اسرائیل، «در بیت لحم در یهودیه متولد شد»، از خاندان داوود برخاست، درگذشت و در قیامت در نیامد رم یا آتن بنارس یا مکه، در واشنگتن یا مسکو، اما در دروازه های اورشلیم. پیام عیسی مسیح بوی زمین این سرزمین را می دهد. به همین دلیل نیز نمی توان آن را با حقیقت بی زمان و کلی عقل اشتباه گرفت. با همه اینها، پل یک کلمه هم زیاد نگفت. چه بخواهیم و چه نخواهیم، آنچه عیسی به زن سامری می گوید باقی می ماند: «نجات از یهودیان می آید، خدای زنده اولین کسی بود که مردم را از اسرائیل فراخواند.» وصیت مقدس خود را در کتابهای موسی، یعنی در تورات، کتب شریعت به این قوم اعلام کرد. پیامبران را نزد او فرستاد و سرانجام پسرش را «هنگامی که وقت تمام شد» فرستاد. مردم اسرائیل عهد عتیق و جدید را

نوشتند (به استثنای لوقا که یک مسیحی غیریهودی بود) و کتاب مقدس خود را در دست مسیحیت قرار دادند.

هر تأملی در مبانی ایمان مسیحی ما راز «اسرائیل»، انتخاب، دعوت و مأموریت آن را به ما نشان می‌دهد. این همدردی انسانی، هیچ فلسفه گرایی به عنوان یک جنبش ضد یهود ستیزی نیست، بلکه اقدام خدا برای نجات جهان است که کلیسا و کنیسه را، دیروز و امروز و تا آخر زمان به هم متصل می‌کند. این چیزی است که امروز می‌خواهیم به آن پی ببریم. اگر یک قوم باید پسر خدا را با شادی بپذیرد، باید این قوم باشد اگر مالش به جایی رسید در اسرائیل بود! و با این حال یهودیان تا به امروز به "باور" خود (مارتین بوبر) پایبند هستند و نمی‌خواهند بپذیرند که خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب و همه پیامبران پدر عیسی مسیح است. پل نه تنها مغز خود را در مورد این راز به هم ریخت، بلکه قلب خود را نیز به چالش کشید.

آیا این رد پیام عیسی توسط اسرائیل این واقعیت را نفی می‌کند که او واقعاً کلمه نهایی خدا به این جهان بود؟ آیا نتیجه می‌شود که عیسی به عنوان مسیح توسط یهودیان طرد شده است که خود خدا عهد با آنها را لغو کرده است؟ نه این و نه آن! اسرائیل مهر پاک نشدنی انتخابات را بر خود دارد. خدا این انتخاب را پس نگرفت، بلکه آن را در پسرش عیسی مسیح به همه ملل گسترش داد. او در او خدای ما و خدای ما می‌شود این در برابر عهد اول گفته و اعتراف نمی‌شود، بلکه با ترسیم خطوطی که در آن آمده است. ما این جامعه را با اسرائیل داریم - و اگر مجبور بودیم آن را علیه خود اسرائیل ابراز کنیم

### III.

پس اگر درست باشد که خدا قوم عهد خود را رها نکرده است، پس برای اسرائیل امید وجود دارد. به همین دلیل است که پولس نیز برای نجات اسرائیل دعا می‌کند. دعای او امید در عمل است. آیا او دلیلی دارد؟

وقتی از او می‌پرسند که آیا خدا قوم خود را رد کرده است، او فقط می‌تواند پاسخ دهد: مطلقاً نه! «خداوند «قوم خود را که قبلاً انتخاب کرده بود طرد نکرده است. زیرا هدایا و دعوت خدا نمی‌تواند او را توبه کند»

آنچه در اینجا گفته می‌شود فقط در مورد اسرائیل صدق نمی‌کند. این انجیل به طور کلی است: خدا تزلزل ناپذیر در برابر کسانی می‌ایستد که زمانی او شده اند - برای مثال در غسل تعمید. ما ممکن است از او کناره گیری کنیم و خود را به عشق او ببندیم - در نتیجه در واقع باید به تنهایی با همه چیز کنار بیاییم و در نهایت هرگز واقعاً نخواهیم توانست. اما حتی در این صورت هم عشق خدا به ماست. او خود را به آنچه می‌یابد وابسته نمی‌کند. این تسلی بزرگ و قوی برای ما نیز هست. حتی اگر ایمان ما اغلب شکننده و ناپایدار خسته و ضعیف باشد، همیشه به ما می‌چسبد. هیچ فرد ضعیفی آنقدر ضعیف نیست که بخواهد به کمک او بیاید.

ما هم می‌توانیم این امید را برای اسرائیل داشته باشیم. همانطور که یهودیان نیز عیسی را به عنوان مسیح می‌شناسند و خود را به او می‌سپارند، وعده‌های خدا نیز برای آنها محقق خواهد شد. این امر از طریق قضاوت و مجازات عدالتی که برای آنها و ما شناخت حاصل نخواهد شد، بلکه از طریق اعطای عدالت خدا، همانطور که در عیسی مسیح شکل گرفت. با او، تمام راه‌های خودت برای رسیدن به خدا از بین می‌رود. از آن زمان، تنها کسانی که اجازه می‌دهند این عدالت اعطایی خدا در مورد خودشان اعمال شود اعتبار نزد خدا را تجربه خواهند کرد. و دقیقاً به این دلیل که انجیل اعطای عدالت از جانب خداوند معتبر و قدرتمند است، هنوز امیدی برای صلح و آشتی برای اسرائیل و برای همه ما وجود دارد، فراتر از همه درخواست‌ها برای انتقام و مجازات. آمین